



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی خراسان رضوی



**معمای تفاوت تورم در
استان‌ها: کالبدشکافی
ساختار مصرف و چالشهای
خاص خراسان رضوی**





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی خراسان رضوی

عنوان گزارش

**معمای تفاوت تورم
در استان‌ها:
کالبدشکافی ساختار
مصرف و چالش‌های خاص
خراسان رضوی**

۱۴۰۵



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی خراسان رضوی

شناسنامه گزارش

عنوان: معمای تفاوت تورم در استان‌ها؛ کالبدشکافی ساختار مصرف و چالش‌های خاص خراسان رضوی

نوع گزارش: مروری تحلیلی سیاستی ارزیابی و پایش آینده پژوهشی

حوزه موضوعی: اقتصاد کلان

تهیه و تدوین: سعیده به‌نژاد

ناظر: سمیرا سبزواری

مرکز مطالعات و بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی

واژگان کلیدی: تورم - ضریب اهمیت - خراسان رضوی - کشور

صفحه آرایی و چاپ: روابط عمومی اتاق بازرگانی خراسان رضوی

شناسه گزارش: RE-AR02-1405-08

تاریخ انتشار: تیر ماه ۱۴۰۵

کلیه حقوق گزارشات برای اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی محفوظ است و هرگونه استفاده و بهره‌وری از داده‌ها، مطالب و محتوای این گزارش، با ذکر نام منبع (گزارش، تهیه کننده) و بدون دخل و تصرف در محتوا مجاز می‌باشد.



فهرست مطالب:

۵ خلاصه مدیریتی:
۷ مقدمه:
۷ چارچوب نظری تفاوت‌های تورمی استانی
۱۰ تحلیل چالش‌های تورمی استان خراسان رضوی
۱۴ منابع و مراجع:

خلاصه مدیریتی:

اگرچه تورم در سطح ملی عمدتاً تحت تأثیر عوامل کلان و ناترازی‌های اقتصاد کشور شکل می‌گیرد، اما شدت بروز آن در استان‌های مختلف یکسان نیست. تفاوت در سطح درآمد خانوارها، ترکیب سبد مصرف، هزینه‌های تأمین و توزیع، شرایط جغرافیایی و ساختار تقاضا موجب می‌شود برخی استان‌ها بیش از دیگر مناطق در معرض فشارهای قیمتی قرار گیرند. نرخ تورم بر اساس تغییرات شاخص قیمت مصرف‌کننده محاسبه می‌شود؛ شاخصی که از میانگین موزون قیمت گروه‌های مختلف کالا و خدمات به دست می‌آید و در آن هر گروه متناسب با سهمش در سبد هزینه خانوار، ضریب اهمیت مشخصی دارد. از این‌رو، تورم تنها تابع میزان افزایش قیمت‌ها نیست، بلکه به ترکیب سبد مصرف خانوار و ضریب اهمیت گروه‌ها نیز وابسته است. در استان‌هایی که سطح درآمد پایین‌تر است، سهم بیشتری از هزینه خانوار به کالاهای ضروری، و به‌ویژه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، اختصاص می‌یابد. از آنجا که این گروه‌ها در سال‌های اخیر تورم بالاتری داشته‌اند، اثر افزایش قیمت این گروه بر شاخص کل در این استان‌ها نیز پررنگ‌تر بوده است.

در خراسان رضوی، این مسئله در ترکیب سبد مصرف خانوار به‌روشنی دیده می‌شود. سهم گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در سبد مصرف خانوار استان ۳۰.۷۸ درصد است که از میانگین کشوری (۲۹.۴۴ درصد) و استان‌هایی نظیر تهران (۲۱.۹۱ درصد) و اصفهان (۲۸.۴۳ درصد) بالاتر است. در مقابل، ضریب اهمیت گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات در استان ۶۹.۲۲ درصد است، در حالی که این رقم در سطح کشور ۷۰.۵۶ درصد و در تهران و اصفهان به ترتیب ۷۸.۰۹ و ۷۱.۵۷ درصد است. این تفاوت در ضرایب اهمیت نشان می‌دهد که خانوارهای استان به خاطر درآمد سرانه پایین‌تر، در سبد مصرفی خود وزن بیشتری به خوراکی‌ها و کالاهای ضروری اختصاص می‌دهند که فشار قیمتی بیشتری را تجربه کرده‌اند؛ و به همین دلیل، اثر این افزایش‌ها در تورم کل استان نیز پررنگ‌تر است.

عامل مهم دیگر، ماهیت زائرپذیر اقتصاد استان و حضور مهاجران است. میزبانی از میلیون‌ها زائر داخلی و خارجی، تقاضایی فراتر از جمعیت رسمی استان برای خوراکی‌ها، خدمات اقامتی، رستوران، حمل‌ونقل و سایر خدمات شهری ایجاد می‌کند. این تقاضا به‌ویژه در دوره‌های اوج سفر فشار قابل توجهی بر بازار وارد می‌سازد و در صورتی که ظرفیت عرضه متناسب با آن توسعه نیافته باشد، به افزایش بیشتر قیمت‌ها منجر می‌شود. از این منظر، بخشی از تورم بالاتر در خراسان رضوی بازتاب مستقیم جایگاه استان در اقتصاد زیارت و سهم بالای خدمات وابسته به آن است.

در کنار این عوامل، هزینه‌های جغرافیایی و لجستیکی نیز در تشدید فشارهای تورمی نقش دارند. فاصله از برخی مراکز اصلی تولید، هزینه‌های حمل‌ونقل و توزیع، وابستگی بخشی از تأمین کالا به شبکه‌های بین‌استانی و مجاورت با مرزهای شرقی کشور،

هزینه تمام شده بسیاری از کالاها و خدمات را افزایش می دهد. در برخی مقاطع نیز انتقال بخشی از کالاها به بازار کشورهای همسایه، عرضه داخلی برخی اقلام را محدود کرده و فشارهای قیمتی را تشدید کرده است. برآیند این عوامل نشان می دهد که شکاف تورمی خراسان رضوی نسبت به میانگین کشور ماهیتی ساختاری و نسبتاً پایدار دارد. از این رو، کاهش این شکاف صرفاً با اتکا به سیاست های عمومی مهار تورم در سطح ملی ممکن نخواهد بود و لازم است مداخلات منطقه ای مشخصی نیز در کنار ثبات بخشی به متغیرهای کلان در دستور کار قرار گیرد.

مقدمه:

اقتصاد ایران سال‌هاست که با معضل ساختاری تورم دو رقمی و پیامدهای آن دست‌به‌گریبان است. نگاهی به آمارهای بلندمدت نشان می‌دهد که طی بیش از چهار دهه گذشته، فضای کلان اقتصادی کشور تقریباً همواره با نرخ‌های تورم دو رقمی و فزاینده مواجه بوده و حتی در سال‌های اخیر، ماندگاری تورم‌های بالای ۴۰ درصد را تجربه کرده است. تداوم این روند فرساینده، نااطمینانی‌های عمیقی را نسبت به آینده ترسیم کرده، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد را به شدت کاهش داده و بستر را برای رفتارهای سوداگرانه هموار ساخته است. با این حال، تحلیل تورم صرفاً در سطح کلان و ملی می‌تواند بخش مهمی از واقعیت‌های اقتصادی را پنهان سازد؛ چرا که نرخ تورم در پهنه جغرافیایی ایران یکنواخت نیست و تفاوت‌های معناداری میان استان‌های مختلف وجود دارد.

مطالعات اقتصاد منطقه‌ای نشان می‌دهند که مناطق مختلف یک کشور به دلیل تفاوت در ساختارهای جغرافیایی، تنوع فعالیت‌های اقتصادی، بافت جمعیتی و زیرساخت‌ها، واکنش‌های کاملاً متفاوتی به سیاست‌های پولی و مالی یکسان نشان می‌دهند. نرخ تورمی که به صورت ملی اعلام می‌شود، در واقع میانگینی از تغییرات قیمت در کل کشور است و تفاوت‌های عمیق استانی را پوشش نمی‌دهد؛ در حالی که تفاوت نرخ تورم میان استان‌ها در برخی دوره‌ها به بیش از ۲۰ یا حتی ۳۰ واحد درصد می‌رسد که این شکاف بزرگ، پرسش‌های جدی را درباره علل آن برمی‌انگیزد. ریشه‌یابی این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که منشأ این شکاف را نباید به عملکرد مقطعی استان‌ها نسبت داد، بلکه ریشه اصلی آن را باید در سطح درآمد و ساختار سبد مصرفی خانوارها، فرمول‌های آماری محاسبه شاخص قیمت و ویژگی‌های ساختاری تولید و عرضه در هر منطقه جستجو کرد.

چارچوب نظری تفاوت‌های تورمی استانی

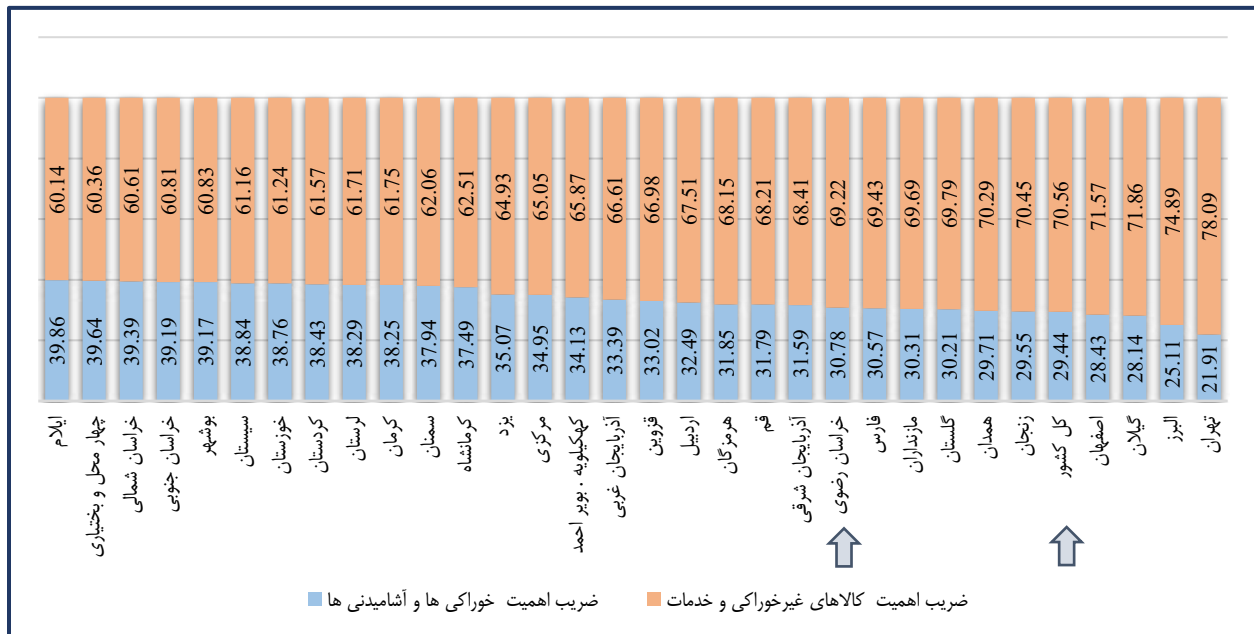
برای تبیین علمی علل تفاوت نرخ تورم در استان‌ها، ابتدا باید فرمول ساختاری محاسباتی شاخص قیمت را کانون تحلیل قرار داد. از منظر ریاضی و آماری، نرخ تورم کل در هر استان تابعی مستقیم از چهار متغیر کلیدی است: نرخ تورم گروه "خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها"، نرخ تورم گروه "کالاهای غیرخوراکی و خدمات"، ضریب اهمیت (وزن) گروه خوراکی‌ها در سبد مصرفی خانوار آن استان، و ضریب اهمیت گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات در همان سبد

مصرفی. به بیان دیگر، نرخ تورم کل استان از مجموع حاصل ضرب نرخ تورم هر گروه در ضریب اهمیت آن گروه به دست می‌آید. از آنجا که این چهار عامل در استان‌های مختلف کشور مقادیر متفاوتی دارند، نرخ تورم نهایی استان‌ها نیز به‌ناچار متفاوت خواهد بود. بنابراین، علل تفاوت تورم در استان‌ها را می‌توان به دو بازوی اصلی تقسیم کرد: نخست، تفاوت در ضرایب اهمیت این دو گروه اصلی که به ترکیب سبد مصرفی بازمی‌گردد؛ و دوم، تفاوت در نرخ تورم خود این گروه‌های کالایی که ناشی از عوامل ساختاری و اقتصادی است.

در تشریح بازوی نخست، یعنی **تفاوت در ضرایب اهمیت و ترکیب سبد مصرفی**، قانون مصرف انگل بیان می‌کند که با افزایش درآمد یک خانوار، درصد درآمدی که برای خرید مواد غذایی صرف می‌شود کاهش می‌یابد، در حالی که درصد صرف‌شده برای سایر موارد (مانند آموزش، تفریح و مسکن) افزایش می‌یابد و بالعکس. بر این اساس، در استان‌های محروم‌تر و کم‌برخوردارتر کشور که نرخ بیکاری بالاتر و درآمد سرانه پایین‌تر است، خانوارها بخش عمده درآمد خود را صرف نیازهای اولیه و خوراک می‌کنند. در نتیجه، ضریب اهمیت گروه خوراکی‌ها در سبد مصرفی این استان‌ها بسیار بالا و گاه نزدیک به ۴۰ درصد است. در مقابل، در استان‌های برخوردارتر و کلان‌شهرها، سهم خوراکی‌ها کاهش یافته و ضریب اهمیت اقلام غیرخوراکی و خدمات وزن بیشتری پیدا می‌کند.

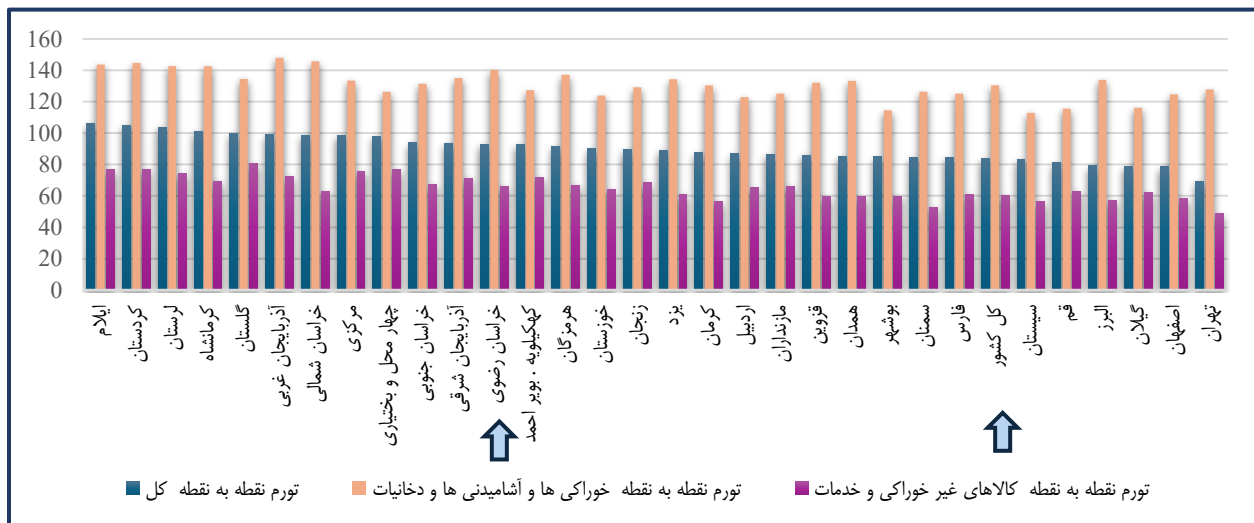
این تفاوت در وزن‌ها زمانی اهمیت حیاتی می‌یابد که نرخ تورم این دو گروه دچار شکاف شود. در سال‌های اخیر که تورم گروه خوراکی‌ها به دلیل تکانه‌های ارزی و اصلاحات ساختاری (نظیر اصلاح سیاست ارز ترجیحی، تغییر حقوق گمرکی کالاهای وارداتی و افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و ...) به مراتب بالاتر از گروه غیرخوراکی بوده است، استان‌های محروم‌تر به‌طور کاملاً خودکار و صرفاً به دلیل وزن بالای خوراکی‌ها در سبد مصرفی‌شان، تورم کل بالاتری را ثبت کرده‌اند، حتی اگر افزایش قیمت فیزیکی کالاها در بازارهای محلی آن‌ها تفاوتی با سایر مناطق نداشته باشد.

نمودار ۱- مقایسه ضریب اهمیت دو گروه اصلی شاخص قیمت مصرف‌کننده در استان‌ها



منبع: مرکز آمار ایران (۱۴۰۵)

نمودار ۲- مقایسه تورم نقطه به نقطه اردیبهشت ماه در استان‌ها



منبع: مرکز آمار ایران (۱۴۰۵)

همان‌گونه که نمودارهای فوق نشان می‌دهد، استان تهران با کمترین ضریب اهمیت گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها (۲۱.۹۱ درصد)، پایین‌ترین نرخ تورم را به ثبت رسانده است. در مقابل، استان‌های ایلام و کردستان با ضریب اهمیت خوراکی نزدیک به ۴۰ درصد، نرخ تورمی بسیار بالاتر را تجربه کرده‌اند. این الگوی معکوس، بیانگر آن است که بخش

قابل توجهی از تفاوت نرخ تورم میان استان‌ها، نه از اختلاف در نرخ افزایش قیمت کالاها، بلکه از تفاوت در ترکیب سبد مصرف خانوارها و وزن بالاتر گروه خوراکی‌ها در شاخص قیمت مصرف‌کننده ناشی می‌شود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۵). به عبارت دیگر، هرچه سهم خوراکی‌ها در سبد هزینه خانوار یک استان بیشتر باشد، با توجه به تورم بالاتر این گروه نسبت به سایر گروه‌ها، نرخ تورم کل آن استان نیز در سطح بالاتری قرار می‌گیرد.

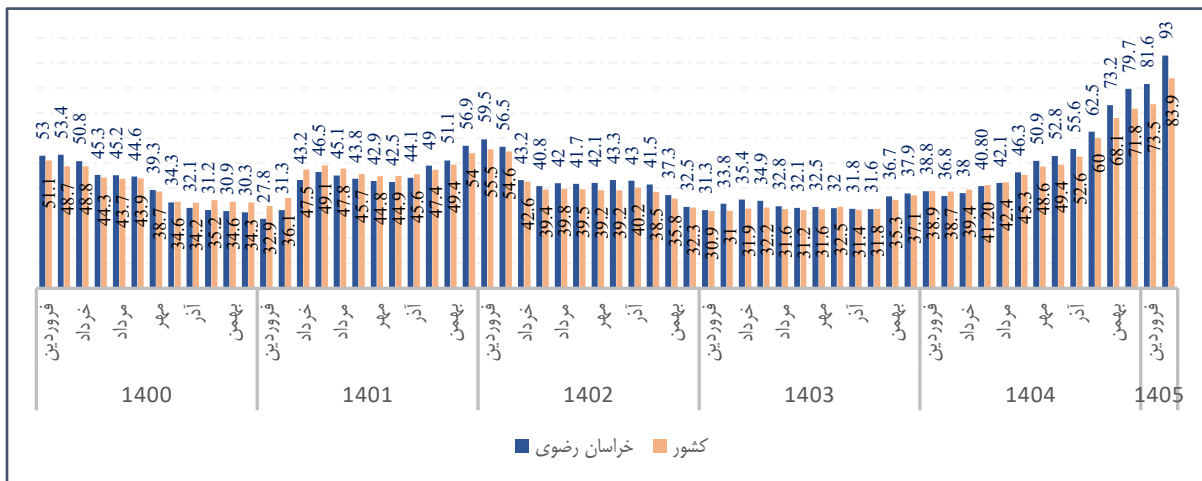
در تشریح بازوی دوم، یعنی تفاوت در نرخ تورم خود این دو گروه کالایی، علاوه بر ناترازی‌های کلان اقتصادی و انتظارات تورمی باید به عوامل ساختاری و اقتصادی حاکم بر عرضه و تقاضا اشاره کرد. تغییرات قیمت در گروه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها در سال‌های اخیر به شدت تحت تأثیر سیاست‌های کلان ملی مانند اصلاح سیاست ارز ترجیحی و حذف یارانه‌های ارزی واردات کالاهای اساسی، افزایش چشمگیر هزینه‌های حمل‌ونقل داخلی، تغییر در حقوق گمرکی و تعرفه‌های وارداتی، و همچنین تکانه‌های اقلیمی مانند خشکسالی بوده است. از سوی دیگر، گروه کالاهای غیرخوراکی و خدمات بیشتر تحت تأثیر قیمت نهاده‌های غیرقابل مبادله مانند اجاره‌بها، دستمزدهای محلی، و قیمت انرژی قرار دارد. تفاوت در این هزینه‌های تولیدی و توزیعی سبب می‌شود که نرخ تورم هر یک از این گروه‌ها در پهنه جغرافیایی کشور مسیرهای متفاوتی را طی کند.

علاوه بر موارد یاد شده، وضعیت بازار کار و توان تولیدی هر استان نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت‌های تورمی دارد. نوسانات دستمزدها، تفاوت در نرخ اجاره‌به‌های واحدهای تجاری و انبارها، و هزینه‌های نگهداری تأسیسات توزیع نیز از دیگر عوامل ورودی هستند که با ایجاد تفاوت در قیمت تمام‌شده کالاها، شکاف تورمی میان مناطق را تعمیق می‌کنند.

تحلیل چالش‌های تورمی استان خراسان رضوی

برای تحلیل دقیق واگرایی تورمی در استان خراسان رضوی، ابتدا باید به یک واقعیت آماری و ساختاری اشاره کرد. بررسی روند شاخص قیمت مصرف‌کننده نشان می‌دهد که نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در این استان طی دوره مورد بررسی عمدتاً در سطحی بالاتر از میانگین کشوری قرار داشته است. تداوم این شکاف بیانگر آن است که واگرایی تورمی خراسان رضوی صرفاً حاصل شوک‌های مقطعی یا نوسانات کوتاه‌مدت نیست، بلکه ریشه در ویژگی‌های ساختاری اقتصاد استان، ترکیب سبد مصرف خانوار و شرایط خاص جمعیتی و جغرافیایی آن دارد.

نمودار ۳- روند نرخ تورم نقطه‌به‌نقطه در استان و کشور (درصد)

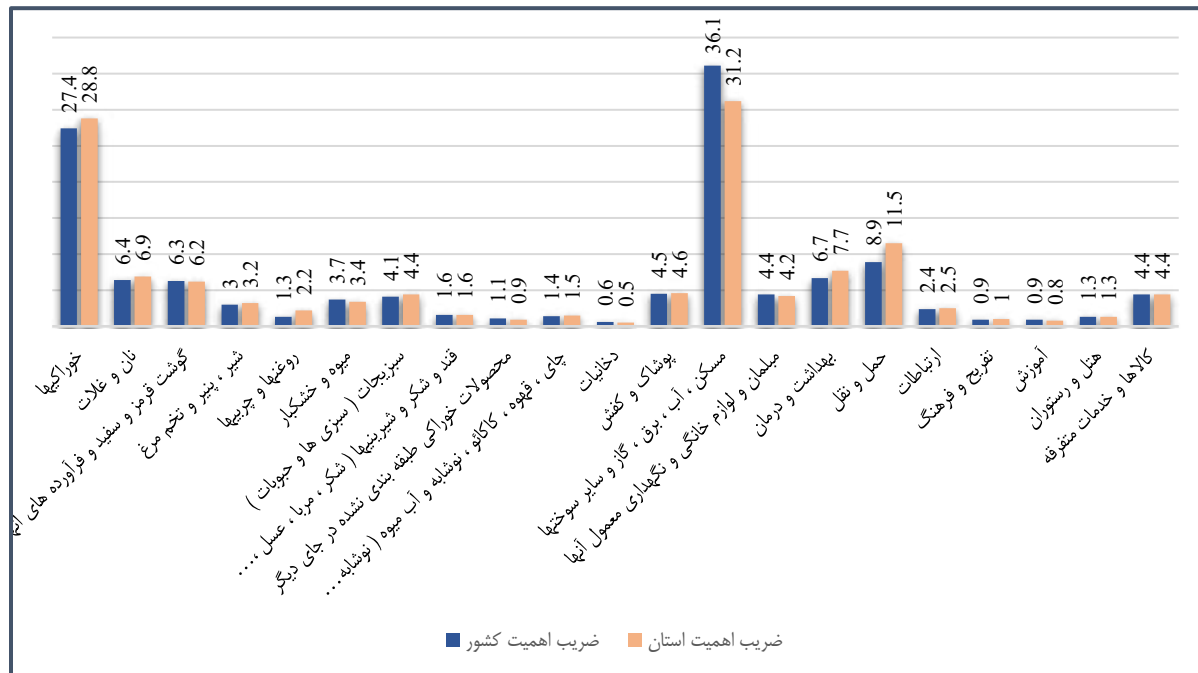


منبع: مرکز آمار ایران (۱۴۰۵)

یکی از مهم‌ترین عوامل این واگرایی، تفاوت در ساختار مصرف خانوارهای استان است. پایین‌تر بودن درآمد سرانه در خراسان رضوی نسبت به برخی استان‌های برخوردار کشور، موجب شده است سهم خانوارهای با درآمد متوسط و پایین در ترکیب جمعیتی استان بیشتر باشد. در نتیجه، بخش قابل توجهی از هزینه‌های خانوار به تأمین کالاهای ضروری، به‌ویژه خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، اختصاص می‌یابد. از آنجا که این گروه کالایی در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از حذف ارز ترجیحی و افزایش نرخ ارز، تورمی بالاتر از بسیاری از گروه‌های دیگر را تجربه کرده است، تفاوت در الگوی مصرف خانوارها نیز به یکی از عوامل مؤثر در بالاتر بودن نرخ تورم استان نسبت به میانگین کشور تبدیل شده است.

این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که شاخص قیمت مصرف‌کننده بر اساس میانگین وزنی تغییرات قیمت گروه‌های مختلف کالا و خدمات محاسبه می‌شود. بنابراین، حتی اگر نرخ رشد قیمت یک گروه کالایی در دو استان مشابه باشد، تفاوت در ضریب اهمیت آن گروه در سبد مصرف خانوار می‌تواند موجب ثبت نرخ تورم متفاوت در شاخص کل شود. از این منظر، بخشی از واگرایی تورمی خراسان رضوی ناشی از تفاوت در ساختار هزینه‌ای خانوارهاست، نه صرفاً تفاوت در نرخ رشد قیمت کالاها.

نمودار ۴- مقایسه ضریب اهمیت زیرگروه های کالا و خدمات در استان و کشور (درصد)



منبع: مرکز آمار ایران و سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان رضوی (۱۴۰۵)

بررسی ضرایب اهمیت زیرگروه های کالا و خدمات نیز این واقعیت را تأیید می کند. مطابق نمودار بالا، سهم گروه خوراکی ها در سبد مصرف خانوار استان (۲۸.۸ درصد) از میانگین کشور (۲۷.۴ درصد) بیشتر است. در مقابل، سهم گروه مسکن، آب، برق، گاز و سایر سوختها در استان (۳۱.۲ درصد) کمتر از میانگین کشور (۳۶.۱ درصد) است. همچنین، ضریب اهمیت گروه حمل و نقل در خراسان رضوی (۱۱.۵ درصد) به طور محسوسی بالاتر از میانگین کشور (۸.۹ درصد) قرار دارد و سهم گروه رستوران و هتل نیز اندکی بیش از میانگین کشوری است. این تفاوتها نشان می دهد که ساختار هزینه ای خانوارهای استان با میانگین کشور تفاوتی معنادار دارد و همین تفاوت در ضرایب اهمیت، در کنار نرخهای متفاوت تورم در گروه های کالایی و خدماتی، یکی از عوامل اصلی واگرایی نرخ تورم استان محسوب می شود.

ماهیت زائرپذیر بودن استان، به ویژه کلان شهر مشهد، یکی دیگر از عوامل مهم شکل دهنده این واگرایی است. میزبانی سالانه از میلیون ها زائر داخلی و خارجی، موجب شکل گیری تقاضایی گسترده و مستمر برای کالاها و خدمات می شود؛ تقاضایی که بخش قابل توجهی از آن در آمارهای رسمی جمعیتی منعکس نمی شود، اما آثار آن در بازار کاملاً محسوس

است. این تقاضای شناور، به‌ویژه در دوره‌های اوج سفر، فشار قابل توجهی بر بازار وارد می‌کند و در صورت محدود بودن ظرفیت عرضه در کوتاه‌مدت، به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد. این اثر به‌ویژه در گروه خوراکی‌ها و خدماتی نظیر هتل‌ها و مراکز اقامتی، رستوران‌ها، حمل‌ونقل درون‌شهری، خدمات گردشگری و بخشی از خدمات تفریحی نمود بیشتری دارد. از آنجا که این گروه‌ها سهم قابل توجهی در شاخص قیمت مصرف‌کننده دارند، تداوم افزایش قیمت در آنها می‌تواند تورم استان را در سطحی بالاتر از میانگین کشور حفظ کند.

عامل ساختاری دیگر، مهاجرت‌پذیری بالای کلان‌شهر مشهد است. وجود جمعیت قابل توجه مهاجران و جمعیت شناوری که بخشی از آن در آمارهای رسمی به طور کامل منعکس نمی‌شود، موجب افزایش تقاضای مؤثر برای مسکن، اجاره، حمل‌ونقل، آموزش، خدمات درمانی و سایر کالاها و خدمات مصرفی شده است. افزایش تقاضا برای سکونت، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و پیرامونی شهر، رشد اجاره‌بها و هزینه‌های سکونت را به همراه داشته و از طریق افزایش هزینه‌های زندگی، آثار غیرمستقیم خود را بر سایر بازارهای استان نیز برجای گذاشته است.

علاوه بر عوامل تقاضا، برخی ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی استان نیز بر سمت عرضه اثرگذار هستند. فاصله نسبتاً زیاد استان از برخی مراکز اصلی تولید، هزینه‌های حمل‌ونقل و لجستیک، وابستگی بخشی از تأمین کالا به شبکه‌های حمل‌ونقل بین‌استانی هزینه تمام‌شده بسیاری از کالاها را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، شکل‌گیری آربیتراژ قیمتی و انتقال بخشی از کالاها به بازار کشورهای همسایه، در برخی مقاطع عرضه داخلی برخی اقلام را محدود کرده و زمینه افزایش بیشتر قیمت‌ها را فراهم می‌کند.

در مجموع، شواهد آماری و ساختاری نشان می‌دهد که واگرایی نرخ تورم خراسان رضوی نسبت به میانگین کشور، بیش از آنکه ناشی از عوامل مقطعی یا عملکرد کوتاه‌مدت سیاست‌های اقتصادی باشد، حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل ساختاری است؛ عواملی نظیر پایین‌تر بودن سطح درآمد سرانه و سهم بیشتر خانوارهای کم‌درآمد، تفاوت در ضرایب اهمیت گروه‌های کالایی و خدماتی، وزن بالاتر خوراکی‌ها و حمل‌ونقل در سبد مصرف، حضور گسترده جمعیت شناور ناشی از گردشگری مذهبی، مهاجرت‌پذیری بالا، هزینه‌های لجستیکی و ویژگی‌های جغرافیایی استان. این مجموعه عوامل موجب شده است که اقتصاد خراسان رضوی نسبت به شوک‌های قیمتی، به‌ویژه در گروه‌های خوراکی

و خدمات، حساسیت بیشتری داشته باشد و در نتیجه نرخ تورم استان در اغلب دوره‌ها بالاتر از میانگین کشوری قرار گیرد. بر این اساس، کاهش این شکاف تورمی مستلزم شناخت دقیق لایه‌های ساختاری آن است و سیاست‌های عمومی مهار تورم در سطح ملی، به‌تنهایی برای رفع آن کافی نخواهد بود.

منابع و مراجع:

- مرکز آمار ایران (۱۴۰۵)
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خراسان رضوی (۱۴۰۵)



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن
و کشاورزی خراسان رضوی

www.mccima.com

۰۵۱-۳۲۲۱۶۰۰۰



info@mccima.com



مرکز مطالعات و
بررسی‌های اقتصادی

۰۵۱-۳۲۲۱۶۰۰۰ - ۲۱۰

